

## چاقولای موهای زن چینی

به دلیل ممنوعیت حمل وسایل غیرمجاز در فرودگاه‌ها افراد باید خیلی این قضیه را جدی بگیرند و قانون شکنی نکنند اما یک زن چینی در اقدامی عجیب و خطرناک در فرودگاه به طرز عجیبی قانون را زیر پا گذاشته است. مسافر چینی قبل از عبور از گیت خروجی در فرودگاه کونمینگ چین قصد داشت همراه یک قبضه چاقوی پنهان شده در بین موهایش عبور کند. این زن میانسال، چاقو را مانند یک گیره سر در داخل موهایش پنهان کرده بود که حین عبور از گیت حساس به فلز دستگیر شد. ماموران امنیتی برای برقراری امنیت فرودگاه، چاقوی این زن را مصادره کردند. زن مسافر میانسال پس از بازداشت بدون پرداخت جریمه آزاد شد.



چه اتفاقی برای فرودگاه کابل افتاد که مدتی است یکی از پرخطرترین نقاط جهان است؟

# میدان جنگ هوایی

فرودگاه کابل تا همین چند روز پیش آخرین پایگاه آمریکایی‌ها در افغانستان بود



سہیل کریسی  
روزنامه نگار و  
فیلمسازی که به خیلی  
از فرودگاه‌های جهان  
سرک کشیده است

وقتی برخی مظاهر تجدد به این سوی عالم آمد، خیلی‌ها یا آن را همان‌طور که بود پذیرفتند یا تغییراتی اندک دادند یا بالکل بومی کرده و حتی اسم و رسم ویژه خودشان را به آن دادند. مثلاً در همین ایران خودمان تجددخواهانی که در دوره قاجار با ممالک اروپا و مظاهر تکنولوژی آشنا و در مجموع غریزه شده بودند، خیلی جاها آنچه را که بود در نهایت ایرانیت، ترجمه تحت‌اللفظی می‌کردند. از همین‌رو میرزا صالح شیرازی وقتی در دوره محمدشاه قاجار اقدام به انتشار رویدادهای ماهانه کرد، اسم و رسمش را همان‌طور که در اروپا دیده بود پسندید. یعنی با ترجمه واژه به واژه «نوزیبیر»، هم عنوان و هم خروجی عملش شد «کاغذ اخبار». ولی بعدها این رسم که به یومیه‌نگاری رسیده بود به «روزنامه» تغییر کرد که معنی بومی و ایرانی نگارش اخبار روی کاغذ بود.

از این جمله است واژه «فرودگاه»، جایی که هواپیما در آن فرود می‌آید، یعنی واژه‌ای که می‌توانست همان عینی انگلیسی‌اش «ایئرپُرت» یا «بندر هوایی» باشد. در واژه «فرودگاه»، هم معنی عمل به‌زمین‌نشستن وجود دارد و هم محل فرود. دقیقاً همان‌طور که اعراب می‌گویند «مطار» هرچند به معنای محل پرواز. آن‌سوتر از ایران، افغانستان که به واسطه مجاورت با هندوستان بریتانیا و دخالت انگلیس به خاطر منافعش در شبه‌قاره و حضورش بیش از جاهای دیگر، انگلیسی‌زده‌تر از ایران بود، برخی واژه‌ها را یا با همان اصلش به کار بردند یا بیشتر تحت‌اللفظی ترجمه کردند. باز مثل همین «ایئرپُرت» که شد «میدان هوایی».

\*\*\*

نخستین «میدان هوایی» که تا سال‌های سال، مجهزترین هم بود، در سال ۱۳۳۹ توسط شوروی در مجاورت محله قدیمی و روستای «خواجه زواش» (که فی‌الحال محله مدرنی است) در نزدیکی کابل ساخته شد. به همین خاطر اسمش شد «میدان هوایی خواجه زواش» تا سال ۱۳۹۳ که دولت پیشین افغانستان عنوانش را به «میدان هوایی حامد کرزای» تغییر داد. و این همان فرودگاهی بود که چند روز پیش شاهد کشتاری بود که در سال‌های اخیر بسیار کم دیده بودیم. در چند انفجار و تیراندازی حدود ۲۰۰ نفر در آن کشته شدند که کمتر از ۲۰ نفر آنها آمریکایی و انگلیسی بودند. قریب همین تعداد از نیروهای طالبان و الباقی از شهروندان (یا به قول افغانستانی‌ها باشندگان) کابل بودند.

کمی که به عقب برگردیم متوجه می‌شویم این فرودگاه از «روز قبلش هم بنا به دلایلی در صدر اخبار جهان بود. انگار دست‌هایی به عمد سعی دارند همه نگاه‌ها را از همه موضوعات دیگر، فارغ و به سمت این‌گوشه از افغانستان جلب کنند. آمریکا برخلاف تصمیمات پیشین‌اش پس از ۲۰ سال و در یک شب، مهم‌ترین محل استقرار نیروهای نظامی‌اش را از «میدان هوایی و پایگاه بگرام» در ولایت پروان ترک کرد. طالبان با عنوان «مجاهدان امارت اسلامی» ظرف چند روز و در کمترین مواجهه و درگیری تقریباً کل افغانستان را تصرف کردند که از آن جمله بود شهر کابل. طبق قراری که بین قوای اشغالگر و نیروهای

طالبان گذاشته شده بود، نیروهای آمریکایی و ناتو تا زمانی که قوا، تجهیزات و افراد تحت حمایت‌شان از افغانستان خارج نشدند، بدون حضور افراد امارت اسلامی، بایستی مدیریت این فرودگاه را در اختیار داشته باشند. این مدیریت در همان روز اول سقوط کابل خبرسازترین رویداد جهان شد. فرودگاه، تام و تمام در اختیار آمریکایی‌ها و هم‌پیمانان‌شان بود. آمریکایی‌ها برای امنیت خود، امکانات و هواپیماهایشان باید هر جنبه‌ای را به گلوله می‌بستند. ولی در روز تصرف کابل این نشد. باشندگانی که با تبلیغات وسیع شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و پیام‌رسان‌های اینترنتی به عمد در معرض القای کشتار و وحشت بودند دقیقاً مثل روز دمیدن بر صور اسرافیل به سمت فرودگاه هجوم آوردند. اینها عمدتاً استادان دانشگاه، اهل رسانه و سینما و تلویزیون، تجار اصلی، متحدین حتی متولد اروپا و آمریکا و همه آنانی که دست‌شان به دهان‌شان می‌رسید بودند. آنها که در همه این سال‌ها خانه جنگی و کشتار و ویرانی، در این چهاردیواری افغانستان مانده‌اند که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند تا بخواهند جان‌شان را کف دست گرفته و آن‌طور بگیرزند. وانگهی، همه اینانی هم که رفتند اگر مورد حمایت مستقیم آمریکا و ناتو نبودند، طبق اعلام «آکادمی» (بلک واتر) و مؤسس آن «اریک پرینس» هرکدام و برای هر نفر حدود ۲۰۰۰ دلار جهت خروج از افغانستان باید پرداخت کنند. حالا در این وانفسا به اکثر کوچه‌های کابل که سرک بخشی مایملک کمتر کسی به همین ۲۰۰۰ دلار می‌رسد، چه برسد که این‌قدر پول نقد در چنته داشته باشی تا فقط خودت را بیرون بکشی!

آمریکایی‌ها ابتدا شهروندان و سیتیزن‌های خود را سگ و گربه به

بغل روی صندلی‌ها نشانند. بعد اگر در محل بار جایی باقی بود همین جماعت متقاضی را روی هم تلنبار کردند. ولی بعدتر ... دوربین‌ها به طور زنده هجوم خلاق را به سراسر دنیا مخاברה می‌کردند. چون در غیاب جنگ و خونریزی‌ای که باید می‌شد و نشد و خانه‌جنگی که بایست به وقوع می‌پیوست ولی نیپوست، چیزی توجه دنیا را باید متوجه افغانستان می‌کرد. جماعتی که عمدتاً از قشر نخبه و فرهیخته آن کشور شناسانده شده بود نیز خود، رسانه بودند. کافی بود در تماسی یا یک فریم عکسی یا چند ثانیه ویدئو، هر آنچه در آن فرودگاه اتفاق می‌افتاد را به کسان خود یا حتی بنگاه‌های خبرپراکنی ارسال کنند. و کردند.

فرودگاه تام و تمام در اختیار آمریکایی‌ها و هم‌پیمانان‌شان بود. در شرایط عادی کسی امکان نزدیک شدن به محوطه فرودگاه را نمی‌یافت، حال که شرایط جنگی بود. ولی این‌طور نشد. برای نخستین بار در جهان ویدئوهایی منتشر شد که در آن ده‌ها نفر سوار بر «ارابه فرود» یا «فرودافزار» از چرخ‌ها و اطراف آن آویزانند. قضیه کاملاً شوخی به نظر می‌رسید. از آن همه گارد مسلح که صرفاً برای ایجاد نظم به هر بنی‌بشری شلیک می‌کردند حالا نه کسی مانع ورود به باند بود و نه سوار شدن به چرخ و بال. ده‌ها نفر روی همان فرودافزار یک هواپیمای در حال حرکت باری - نظامی C

تازه از اینجا بود که میدان هوایی خواجه زواش کابل بر سر زبان‌ها افتاد. آمریکایی‌ها ادعا کردند کنترل فرودگاه در دست‌شان نبوده و تازه از فردا این چنین خواهند کرد. ولی همچنان آن فرودگاه و اتفاقاتش تیت‌یک بسیاری از مراکز خبری بود. هر جا هم که این ویژه‌گی از تک و تا می‌افتاد، چند تیراندازی و

چند کشته و چند حقتار و چند فلاکت دیگر آن را رو می‌آورد تا روزی که آن اتفاق بزرگ‌تر افتاد. با طرح موضوعات مربوط به این فرودگاه و شایع شدن این‌که هر آن‌که دلار داشت و گذرنامه می‌تواند خود را از افغانستان طالب‌زده نجات دهد، ده‌ها هزار نفر همچنان به سمت آن هجوم آوردند. دو روز پیش از واقعه، طالبان به آمریکایی‌ها هشدار داده بودند که از منابع اطلاعاتی خود خبری را یافته‌اند که شاخه «ولایت خراسان» داعش، قصد عملیات نظامی در این میدان هوایی را دارد. آمریکایی‌ها هم گوش گرفتند و به شیوه خود وارد ماجرا شدند.

عصر روز چهارم شهریور و در هجوم و فشرده‌گی جمعیت مقابل درهای ورودی فرودگاه، دو انفجار انتحاری باز این میدان هوایی را سرزبان‌ها انداخت. در آمار اولیه، حدود ۱۰۰ کشته ولی بعدتر کشته‌ها نزدیک به ۲۰۰ نفر اعلام شد که ۱۳ تایی آنها آمریکایی و سه تن انگلیسی و الباقی افغانستانی بودند و در بین شهروندان افغانستان هم حدود ۲۰ تایی آنها از نیروهای طالبان اعلام شد. چیزی که از قبل مشخص بود آمریکایی‌ها بلافاصله تقصیر را به گردن طالبان انداختند که در گیت‌های خارج فرودگاه جماعت را خوب بازرسی نکرده بودند ولی آنچه در روزهای دیگر و با بررسی بیشتر اعلام شد با یک ترند خاص ژورنالیستی، در لای و لوی اخبار دیگر گم شد.

اکثر حاضران و شاهدان در فرودگاه و بعد بیمارستان‌ها اعلام کردند که شاید حدود ۲۰ نفر از این تعداد ۲۰۰ نفر با انفجار انتحاری کشته شده بودند. ولی الباقی با تیراندازی‌ای که از برجک‌های نگهبانی آمریکایی‌ها و ساختمان‌های مشرف به محل صورت گرفته بود از ناحیه سر و گردن و سینه و از روبه‌رو (نه پشت سر که موضع حمله داعش بود) مورد اصابت واقع و کشته شده بودند. و در این بین آمریکایی‌ها حتی به خودشان هم رحم نکرده بودند. مثل آنچه در سال ۱۳۶۶ و در خلال جنگ ایران و عراق، جنگنده میراث عراقی با حمله به کشتی یو. اس. اس. استارک آمریکا، ۳۷ تن‌نگدار دریایی آمریکایی را کشت که بعدها با اسناد و مدارک معتبر معلوم شد عملیات استارک با هماهنگی خود آمریکایی‌ها انجام شده بود تا بهانه‌ای برای حضور در خلیج فارس داشته باشند.

برای کشتن زن و بچه افغانستان هم آمریکا هیچ‌وقت دلیل نمی‌خواسته که حالا بخواهد. مثل واقعه کشتار زن و بچه و پیر و جوان افغانستان در سال ۱۳۹۸ با پهباد که ویدئوی آن با عذاب‌وجدان هدایتگر پرند، افشا و منتشر شد. در آن قضیه، آمریکایی‌ها که به دنبال مذاکره با طالبان بودند، برای تحت فشار گذاشتن آنان، عملیات تنبیه‌ای را تدارک دیدند که به گفته جک مورفی، افشاگر این ویدئوها، «پنتاگون دستور این‌گونه حملات را به این منظور صادر کرده بود که طالبان تحت فشار باشد و برای آن‌که جلوی کشته شدن مردم را بگیرد در منکرات کوتاه بیاید ...»

امپراتوری رسانه‌ای جهان برای زمینه‌سازی حضور یا پیشرفت قدرت‌های نظامی و سیاسی، راه و روش‌های متعددی دارد که یکی از آنها برجسته شدن میدان هوایی کابل است. و افغانستانی‌ها در سال‌های تجددطلبی، برخی واژه‌ها را یا با همان اصلش به کار بردند یا بیشتر تحت‌اللفظی ترجمه کردند. باز مثل همین «ایئرپُرت» که شد «میدان هوایی» ...



روای آمریکایی در فرودگاه کابل جان‌دهان را گرفت